

(از ص اول)

لنین و دوستی افغان - شوروی

بود گفته می‌شود: «سیاست ما سیاست

صلح و همکاری بین ملت‌ها است. در حاضر، وقتی‌که ملت‌های از نظر اقتصادی بسیار عقب مانده شرق از ستم اقتصادی خارجی به طرز دردناکی رنج می‌برند، روسیه شوروی سوسیالیستی برای آن‌ها دوست طبیعی می‌باشد. سیاست ما در شرق تجاوزکارانه نیست، سیاست صلح و دوستی می‌باشد. دوستی مستقلزم معاونت متقابل است و به تأسی از آرزوی ما برای پیشبرد حد ممکن رشد و شگوفایی کشور دوست افغانی حاضریم آن کشور را تا جایی که در توان ما است هر نوع کمک نماییم» نخستین معاهده دوستی‌ای که بعد از اعلان استقلال از طرف افغانستان به امضاء رسید معاهده با روسیه شوروی بود. لنین در طرح و امضای این معاهده سهم فوری گرفت. معاهده ۱۹۲۱ دوستی و احساسات مهربانانه متقابل را که در مناسبات بین کشورهای ما تعمیم گردید تحکیم

سیاست اقتصادی و سیاسی ملاکان در کشور حمایت می‌کرد و دهقانانی را که به خاطر زمین قیام می‌کردند بشدت سرکوب می‌نمود و انقلاب بورژوا دموکراتیک روسیه (فبروری ۱۹۰۷) در مسأله ارضی هیچ تغییر مهمی به وجود نیاورد.

وضع روستاها فقط بعد از انقلاب اکتوبر (سال ۱۹۱۷) از بیخ و بن دگرگون شد و آرزوی دیرین میلیون‌ها دهقان ستم‌دیده تحقق یافت.

در تاریخ هشت نومبر سال ۱۹۱۷ دومین کنگره شوراهای سراسر روسیه فرمان مربوط به زمین را تصویب نمود. متن فرمان به ابتکار شخصی و. ای. لنین و با شرکت بلاواسطه او تنظیم شده بود.

هنگام تنظیم این سند، طرح پیشنهادی دهقانان در بارهٔ زمین مرکب از ۲۴۲ فقره پیشنهاد که از نواحی مختلف رسیده بود، مبنای کار قرار داده شد.

بر اساس فرمان لنین در بارهٔ اراضی ملاکان و زمین‌های کلیساها و املاک… با تمام مستغلات و بناها و وسایل تولید مصادره شد و کلیه زمین‌ها ملی اعلام گردید. به عبارت دیگر مالکیت خصوصی بر زمین ملغی شد و اراضی مصادره شده بلاعوض در اختیار زارعین گذارده شد.

واحدهای زراعتی نمونه و کشتزارهای نباتات و باغات و تاکستان‌ها و قلمستان‌ها و گلخانه‌ها مشمول لایحه انتقال اراضی به دهقانان نشدند و منحصراً برای استفاده در اختیار دولت یا شرکت‌های تعاونی روستایی در آمدند، علاوه برین، مؤسسات پرورش اسب و مؤسسات دولتی و خصوصی اصلاح نژاد دام‌ها نیز فقط به دولت واگذار شدند، بر پایه این قبیل اقتصادیات و مؤسسات تأسیس نخستین اقتصادیات روستایی دولتی (ساخوزها) و همچنین اولین شرکت‌های تعاونی تولید روستایی (کلخوزها) شروع شد. طبق فرمان، خرید و فروش زمین و هرگونه معاملات ملکی قذغن اعلام شد. در نتیجه این فرمان زارعین از پرداخت بهره مالکانه و همچنین

پرداخت قیمت بازخريد زمین معاف شدند.

بدین شکل در کشور شوروی کلیه اشکال استثمار در روستاها ریشه کن گردید و شالوده پیشرفت تولید زراعتی در راه سوسیالیستی نهاده شد.

فرمان مربوط به زمین با قانون سوسیالیستی شدن زمین‌ها (مصوب ۱۹ فبروری سال ۱۹۱۸) بسط و تکامل یافت، در این قانون اصول تقسیم یکسان زمین‌های مزروعی بین زحمتکشان تعیین گردید و آزادی عمل زحمتکشان روستاها در انتخاب اشکال زراعت تصریح شد، سازمان‌های مرکزی و محلی موفق شدند نه تنها زمینه‌های مزروعی را عادلانه تقسیم کنند بلکه به توسعه کلخوزها هم کمک نمایند.

ملی شدن اراضی امکانات مطلوبی جهت انتقال اقتصادیات کوچک روستایی به اقتصادیات بزرگ اشتراکی فراهم آورده اگر در سال ۱۹۱۸ فقط یک درصد تعداد کل مزارع انفرادی در شرکت‌های تعاون تولیدی متحد شده بودند در آستانه پنجاه سالگی حکومت شوروی (سال ۱۹۶۷) این رقم به ۹۹/۹۹ درصد رسید. حالیه در کشور شوروی بیش از ۳۷ هزار کلخوز وجود دارد.

انتقال به اقتصادیات روستایی بزرگ سوسیالیستی به معنای چرخش کامل در روابط اقتصادی و در تمام شئون زندگی دهقانان بود. در نتیجه اشتراکی شدن کامل تولید زراعتی آخرین طبقه استثمارگر یعنی دهقانان متمول در روستاها از بین رفتند.

مربوط به اصول سوسیالیستی بهره برداری از زمین و طرق انتقال به زراعت سوسیالیستی صادر شد. در فرمان هدف‌ها و وظایف زراعتی سوسیالیستی تعیین گردید. روز بعد و.ای لنین فرمان مربوط به تأسیس اقتصادیات شوروی را امضاء نمود. این لوایح قانونی مبنایی برای تأسیس اقتصادیات دولتی بزرگ گردید. در آستانه سال ۱۹۶۷ تعداد ساخوزها در نواحی روستایی بیش از ۱۲ هزار رسید.

پس از پایان جنگ داخلی و مبارزه مردم شوروی علیه اخلالگران اجنبی (۱۹۱۷ - ۱۹۲۱) مسأله تنظیم قوانین ارضی به‌صورت یک سیستم واحد، ضرورت کسب می‌کرد - به همین مناسبت در اکتوبر سال - ۱۹۲۲ مجموعه قوانین ارضی جمهوری فدراتیف روسیه شوروی و مرکب از مواد اساسی و سه بخش: استفاده از زمین برای کار‌های تولیدی، زمین‌های شهری و اراضی دولتی و اصول انتفاع از زمین و کوچ کردن تصویب شد.

مجموعه قوانین مشابهی در جمهوری‌های متحده دیگر نیز تصویب گردید.

در مجموعه قوانین ارضی هرکدام از جمهوری‌ها تصریح می‌شد که حق مالکیت به زمین برای زراعت به کلیه اتباع کشور شوروی در صورت تمایل به کشت و زرع با کار خود، صرف نظر از تفاوت جنسی و ملی و معتقدات مذهبی واگذار می‌گردد. بعد برای استفاده از اراضی کلخوز‌ها و ساخوزها مقررات معینی وضع شد.

پس از تأسیس اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و تصویب قانون اساسی اتحاد شوروی تعیین مبنای قانون‌گذاری و بهره برداری از زمین و همچنین بهره برداری از ذخایر درون زمین و جنگل‌ها و آب‌ها در سرتاسر اراضی کشور شوروی به صلاحیت دولت اتحاد شوروی واگذار شد. در نخستین قانون مصوب برای سرتاسر اتحاد شوروی حق تقدم کلخوز‌ها در استفاده از هرگونه اراضی جهت تولید کشاورزی رسماً اعلام گردید و ضمناً نقش مهم ساخوز نیز خاطر نشان شد. بدین ترفیب سیاست دولت در مورد زراعت دسته‌جمعی و اشتراکی در قانون منعکس گردید.

در شرایط پیروزی نظام کلخوزی در اتحادشوروی، کلخوز‌ها و ساخوز‌ها به‌صورت استفاده کنندگان اصلی زمین‌های مزروعی در آمدند. زمان می‌گذشت، مردم شوروی اقتصاد عقب مانده کشور را به‌صورت اقتصاد توسعه یافته

پرچم (شماره ۴۱ - سال دوم)

درآوردند. کشور عقب مانده حتی به کشور صنعتی و کشاورزی مبدل شد. مرحله جدید ساختمان جامعه سوسیالیستی ایجاد می‌کرد که بهره برداری از زمین شکل بهتری کسب نماید. در سال ۱۹۶۸ طرح اصول جدید قانون ارضی اتحاد شوروی و جمهوری‌های متحده با شرکت نمایندگان وزارت خانه‌ها و ادارات و همچنین دانشمندان تنظیم شد. شورای عالی اتحاد شوروی بعد از پایان اظهار نظر وسیع اهالی کشور پیرامون این طرح در جلسات و در جراید طرح اساسنامه را در اجلاسیه خود مورد بررسی قرار داد و در دسمبر ۱۹۶۸ تصویب نمود.

اساسنامه قانون ارضی کماکان مبتنی بر آنست که زمین مالکیت دولتی بوده و به عبارت دیگر مال عوم مردم است و اراضی کشور مجموع‌ه واحدی را تشکیل داده و بلاعوض برای بهره برداری در اختیار کلخوز‌ها و ساوخوز‌ها و دیگر مؤسسات کشاورزی و دولتی و شرکت‌های تعاونی و سازمان‌های اجتماعی و ادارات و همچنین مردم و زحمتکش اتحاد شوروی گذاشته می‌شود.

حق استفاده از زمین با قانون تضمین شده.

هدف از تغییرات اساسی که در قانون ارضی داده شده آنست که تمام زمین‌ها بطور صحیح و معقول مورد استفاده قرار گیرند و اشخاصی که از زمین استفاده می‌کنند در قبال بالا بردن حاصلخیزی زمین و جلوگیری از خرابی و ریزش و شور شدن و از قوت افتادن زمین و غیره احساس مسئولیت نمایند.

بین فرمان لنین در باره زمین و اساسنامه قانون ارضی مصوب سال ۱۹۶۸ فاصله تاریخی بزرگی وجود دارد ولی میان این دو پیوند ناگسستنی برقرار است. شالوده قوانین ارضی کشور بر فرمان لنین در باره زمین و این اندیشه لنین مبتنی است: «زمین باید به خدمت رفاه همه مردم نهاده شود.»

«ترجمه»

کردن این تکتیک ابسترکیسونستی انحصارگران چنین نوشت:

«ما باید این مطلب را درک نماییم که غرب برای ما صنایع سنگین ایجاد نمی‌نماید، حتی وعده هم اگر بدهد فقط برای این منظور است که ایجاد کارخانه‌های ذوب آهن و ماشین سازی ما را به تأخیر اندازد.»

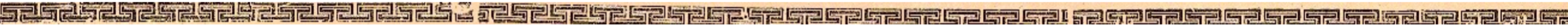
حقایق نشان می‌دهد که کشورهای امپریالیستی تلاش می‌ورزند که مانع ایجاد صنایع ملی کشورهای در حال رشد گردند و یا لاقلاً آن را به تأخیر اندازند و این امر مسلم است که سرمایه گذاری‌های انحصارات امپریالیستی نمی‌تواند نقش مؤثر در حل پرابلم های اقتصادی کشور های کم رشد ایفاء کند.

باید متذکر شد که اخیراً تمایلاتی به مشاهده می‌رسد تا زمینه برای رسوخ اقتصادی کشورهای «جدید» امپریالیستی در افغانستان فراهم گردد. ولی کوشش‌های هیأت حاکمه افغانستان برای جلب و کمک و سرمایه گذاری‌های خصوصی کشورهای امپریالیستی من‌جمله جاپان و فرانسه برای استخراج و پروسس مواد معدنی در کشور ما ذوقی بیش نیست و اگر هم این کشورها حاضر به انجام چنین امری گردند با اطمینان می‌توان گفت که به‌قصد غارتگری و نفوذ استعمار نوین خواهد بود و نمی‌تواند نقش مؤثر در رشد اقتصادی افغانستان داشته باشد.

اکنون که تا حدودی در زمینه کشف و تثبیت ذخایر زیرزمینی افغانستان به کمک اتحاد شوروی تسهیلاتی جهت بهره برداری از آن‌ها فراهم گردیده است، نظریاتی از طرف هواداران امپریالیزم سرمایه داری ارائه می‌گردد تا از این تسهیلات به‌وسیله سرمایه‌های غارتگر امپریالیستی و سرمایه گذاری‌های خصوصی استفاده گردد و این نظراتی است ضد منافع و مصالح خلق افغانستان. در مورد استخراج و بهره برداری از معادن کشور مشکلات عدیده‌ای پیش کشیده میشود، در حالی که در برخی از معادن افغانستان چندین قرن قبل از استخراج و بهره برداری به عمل آمده است و چنانکه در ساحه کندلان که وجود معادن مس و طلا پیش‌بینی گردیده است صوف‌ها و نشانه‌های متعددی وجود دارد که از کار استخراجی در معادن مذکور در صداها و شاید هم هزاران سال قبل نمایندگی مینماید.

لهذا منافع خلق افغانستان حکم مینماید که باید از طریق توسعه پس انداز داخلی و بسیج آن در امر بهره برداری از معادن و منابع سرشار تحت‌الارضی افغانستان و جلب مساعدت‌ها و کمک‌های بی‌شائبه اقتصادی و فنی کشورهای صلح‌دوست بخصوص اتحاد شوروی برای این منظور جهت رشد اقتصادی کشور و ایجاد یک اقتصاد ملی مستقل و توانا گام‌های مؤثر برداشته شود. ولی حکومت‌های افغانستان از عهده این کار بر آمده نمی‌توانند و این کار یک حکومت دموکراتیک و ترقی‌خواه است و اما بهر حال این مسأله جداً تذکار می‌گردد که بهره برداری از معادن افغانستان به غرض ایجاد صنایع و بخصوص صنایع سنگین چون ذوب فلزات سیاه و همچنین استخراج و تصفیه و استفاده از نفت و گاز باید جزء بخش عامه اقتصاد باشد، هرگونه تلاش در این زمینه که سرمایه‌های غارتگر امپریالیستی و سرمایه‌های خصوصی دخیل گردد نه عملی است و نه قابل تحمل برای خلق افغانستان.

پرچم



منابع سرشار طبیعی ما بلااستفاده مانده است

بعضی احجار اجنبی در تولیدات لاجورد تنزیل رخ داده است.»

مسأله تفحص و سروی معادن افغانستان تا چند سال قبل اصلاً مطرح نبود تا اینکه در آغاز پلان دوم در اثر کمک‌های تکنیکی و اقتصادی اتحادشوروی، سروی معادن کشور به شکل علمی آن آغاز گردید و علی رغم کار شکنی‌ها تا حال کار‌های در زمینه انجام گردیده است ولی اکنون مسأله عمده که عبارت از بهره برداری از معادن و ذخایر زیرزمینی تثبیت شده باشد مطرح می‌باشد که حکومت افغانستان در این زمینه تعلل می‌ورزد و هیچ اقدام مؤثر و عملی را به بهانه‌های گوناگون و پیش کشیدن دلایل ناصحیح اتخاذ نکرده است. معدن بزرگ آهن حاجی گک که دارای ذخایر تثبیت شده بسیار عظیم و دارای بهترین نوع آهن با فینصدی های بلند می‌باشد تاکنون بلااستفاده مانده است.

در مورد ایجاد کارخانه ذوب آهن در افغانستان هرگونه کارشکنی صورت می‌گیرد. دلایل بی‌پایه بر رد پیشنهاد تأسیس ذوب آهن در افغانستان چه از طرف مشاوران صاحب غرض کشورهای امپریالیستی و چه از طرف اقتصاددانان غرب زده کشور ما ارائه می‌گردد.

حکومت افغانستان بخصوص در زمینه ایجاد ذوب آهن به «مشوره‌های» متخصصین کشورهای غربی و پیروان داخلی آنان توجه مینماید و راپورهای غرض آلود آن‌ها را برای عدم ایجاد دستگاه ذوب آهن بهانه قرار می‌دهد. همچنین تلاش‌های صورت گرفته است و صورت می‌گیرد که به‌اصطلاح «کمک» و یا سرمایه گذاری‌های کشورهای امپریالیستی برای این امر جلب گردد. ولی حقایق سرسخت مؤید آنست که کشورهای امپریالیستی بخصوص در مورد تأسیس کارخانه ذوب آهن و ایجاد صنایع سنگین حساسیت نشان می‌دهند.

کشورهای امپریالیستی بیش از ۳۰ سال به بهانه‌های مختلف ایجاد ذوب آهن و صنایع انجنیری را در ایران به تعویق انداختند و حاضر نگردیدند که در برابر بزرگترین امتیازات اقدام به تأسیس ذوب آهن در آن کشور بنمایند تا اینکه کشور اتحاد شوروی به این خواست اساسی، مجرب و دیرینه خلق ایران پاسخ مثبت داد. در مورد کارخانه عظیم ذوب آهن هند در پور کار و که طرح ساختمان آن در پلان پنج‌ساله سوم ریخته شده بود از طرف انحصارات امپریالیستی موانع زیادی ایجاد گردیده و در باره ساختمان این فابریکه مذاکرات با کشورهای امپریالیستی نزدیک به چهار سال را در بر گرفت یعنی از اخیر سال ۱۹۶۳ تا وقتی که دولت هند دیگر از مذاکره دست گرفت و به غرض دریافت کمک به اتحادشوروی مراجعه کرد. همچنان تقریباً ۱۴ - سال میشود که انحصارات امپریالیستی برای تأدیه قرضه به غرض ساختمان کارخانه ذوب آهن به پاکستان خود داری مینماید؛ زیرا که از چهار بخش سه بخش واردات فلزات سیاه مورد ضرورت پاکستان به‌تنهایی به‌وسیله انحصارات امریکایی تهیه می‌گردد، چنانکه روزنامه «پاکستان تایمز» در وقت آن ضمن محکوم

۱۳۴۷

ضمن ارائه ارقام بالا در نشریه وزارت پلان (پیشرفت پلان و تحلیل اوضاع اقتصادی - سال ۱۳۴۷) چنین اعتراف صورت می‌گیرد: «سیر ارتقای اندکس عمومی تولیدات معادن… باوجود شمول گاز به حیث یک تولید جدید و مهم از سال ۱۳۴۲ - ۱۳۴۵ بسیار ناچیز بوده و بعد از آن تولیدات با مقایسه سال ۱۳۴۵ تقلیل یافته است.

ارقام فوق نمی‌تواند تصویر کلی‌ای را در باره مقدار استخراج مواد معدنی از یکسال تا سال دیگر ارائه نماید. برای اینکه بطور مشخص ملاحظه شود که طی چند سال اخیر چه مقدار قلیل مواد معدنی (نمک، زغال سنگ و لاجورد) استخراج گردیده است ارقام مربوط را ذیلاً نقل می‌نماییم.

| | | | | |
|--|------|-------|------|--|
| مقدار تولید مواد معدنی نمک (به هزار تن) - زغال سنگی (به هزار تن) - لاجورد (به هزار کیلو گرام) | | | | |
| سال | | | | |
| ۱۳۴۲ | ۳۶/۷ | ۹۹/۲ | ۱۰/۸ | |
| ۱۳۴۳ | ۲۹/۵ | ۱۱۲/۷ | ۵/۰ | |
| ۱۳۴۴ | ۳۶/۱ | ۱۴۴ | ۸/۶ | |
| ۱۳۴۵ | ۳۸/۷ | ۱۶۱/۶ | ۱۰/۳ | |
| ۱۳۴۶ | ۳۱/۳ | ۱۵۱ | ۵/۵ | |
| ۱۳۴۷ | ۴۰/۸ | ۱۲۴/۸ | - | |

مقدار استخراج نمک طی چندین سال تقریباً به یک سطح باقی مانده در حالی که مسلماً ضرورت بیشتر گردیده است (نحوه استخراج نمک خیلی ابتدائی بسان قرون عتیقه باقی مانده است.) البته در این شکی نیست که مقادیری به‌مراتب بیشتر از آنچه رسماً راپور داده میشود استخراج گردیده و بفروش رسانیده میشود و ازین طریق مبالغ گزافی در هر یک از معادن نمک اختلاس می‌گردد و روی همین ملحوظ است که کرسی امریت هر یک از معادن برای خود سرفعلی دارد.

زغال سنگ بطور کلی بهمان طریق و وسایل بسیار ابتدایی از طریق استثمار شدید معدنچیان مخلوط با مواد اجنبی استخراج می‌گردد. محدودیت مقدار استخراج زغال سنگ و باقی ماندن آن کم و بیش به یک سطح معین طی چندین سال خود گواه برین است که من‌جمله در چندین سال در صنایع و در امور تولیدی زغال سنگ مورد استفاده قرار نگرفته است.

لاجورد افغانستان که ماده قیمتی و نادر است، بازار فروش آن در سال‌های اخیر بنابر سرازیر شدن مقادیر زیاد بلور قاچاق به کساد و رکود کامل مواجه شده است و به همین جهت است که مقدار استخراج آن بطور رسمی خیلی پائین آمده نه به دلیل آنکه از طرف مقامات مربوط ادعا می‌گردد «نسبت موجودیت

اسلحه ما تخریب شد. ما اولاً برای دفاع از خود و باز برای دفاع از سرزمین‌های اشغال شده خود به اسلحه ضرورت داشتیم. ولی اسلحه امریکایی صرف روی این بهانه که ما از اتحاد شوروی اسلحه دریافت می‌داریم به‌سوی اسرائیل جریان پیدا کرد. اگر این را بعد از بین بردن آثار تجاوز و بعد از تخلیه قوای اشغالگر بر اساس فیصلهٔ نومبر ۱۹۶۷ می‌گفتند حاضر بودیم آن را بپذیریم. مگر جریان اسلحه امریکایی به‌سوی اسرائیل آن هم در حالی که فلسطین و اراضی متعلق به سه دولت مستقل عربی در تحت اشغال آن می‌باشد هیچ معنی جز طرفداری کامل و خلاف تمام اصول از اسرائیل را داشته نمی‌تواند و هیچ مفهومی جز تشویق متجاوز در ادامه تجاوزش و دشمنی صریح در برابر تمام ملل عرب را ندارد…»

— **پیام نکسن به رهبران «صهیونی» امریکا به‌منابه اعلان جنگ در برابر تمام اعراب میباشد:**

روزنامه بغداد آیزورر در تبصرهٔ سیاسی خود می‌نویسد که پیام نکسن به اجتماع رهبران صهیونی امریکا که در آن اعطای اسلحه بیشتر به اسرائیل وعده داده شده است از طرف مبصرین به‌منابه اعلان جنگ ایالات متحده امریکا بر ضد اعراب تلقی می‌شود. زیرا صدور چنین پیغام بخصوص در این وقت که اسرائیل فعالیت‌های نظامی خودرا بر صد کشورهای همجوار خویش شدت و توسعه می‌دهد معنی آن را دارد که واشنگتن نمی‌خواهد بحران شرق میانه حل و فصل گردد. بلکه بر عکس خواهان آنست که این بحران ادامه پیدا کند. متقابله داغ در شرق میانه به اسرائیل آزادی می‌دهد که به پشتیبانی امریکا حملات خودرا بر رژیم‌های مترقی عربی این ناحیه شدت بخشد و موج روز افزون و روینده جنبش

(از ص اول)

(از صفحه اول)

اهداف غیرنظامی توسعه داده است.
قرار اطلاع خبر گذاری‌های مختلف طیارات اسرائیل به تاریخ ۱۲ فیروزی یگ فابریکه فولدسازی مصر را در ابوزاعیل بمباران نمودند که در نتیجه آن ۸۰ نفر از کارگران به قتل رسیدند و در همین حدود نفر شدیداً زخمی‌گردیدند. حکومت جمهورییت متحد عرب به مخبرین جراید اجازه داد تا از فابریکه دیدن نمایند. هزاران نفر در برابر اجساد شهدا می‌گریستند. در میتینگ بزرگی که در بیرون فابریکه تشکیل گردیده بود کارگران و مردم سوگند یاد کردند که انتقام خواهند گرفت.

پیش بینی کرده می‌توانیم که اسرائیل در اثر پشتیبانی و کمک امریکا و دیگر دول امپریالیستی جنایات فجیع‌تر از این را مرتکب خواهد شد.

وزارت خارجه جمهورییت متحده عرب به تمام نمایندگان سیاسی خود در کشورهای مختلف هدایت داده است تا معلومات مفصل در مورد بمباران فابریکه نوب آهن ابوزاعیل توسط طیارات اسرائیل، ارائه دارند و تصریح گردد که مسوول اصلی این بمباران ایالات متحده امریکا است که بی‌دریغ به اسرائیل کمک نظامی می‌کند و از شیوهٔ خائنانه مقامات جنگ طلب اسرائیل پشتیبانی مینماید.

- با اعراب علیه امپریالیزم، نه با امپریالیزم علیه اعراب:
در قطعنامه‌ای که از طرف حزب کمونیست اسرائیل انتشار یافته گفته می‌شود: «با روش خصمانه و جنگ طلب حکومت اسرائیل عرصه زندگی در اسرائیل فلج شده است. هر روزی

انقلابی عربی را برای همیشه متوقف می‌سازد تا نشود که این جنبش کشورهای غیرعربی این ناحیه را در بر گیرد و به این صورت منافع ایالات متحده را در این حصه جهان ریشه کن سازد…»

- اسرائیل در حقیقت حربه ایست در دست امپریالیزم:

کنفرانس کوچک سران کشورهای عربی در قاهره خاتمه یافت. در ختم کنفرانس اعلامیهٔ نشر و در آن گفته می‌شود که: ما تصمیم گرفته‌ایم سرزمین‌های اشغالی را از وجود اسرائیل پاک سازیم. اسرائیل از طرفی امریکا تقویه میشود. در حقیقت اسرائیل حربه ایست در دست امپریالیزم امریکا و امریکا به کمک اسرائیل بحران شرق میانه را دامن بشدت محکوم نمود.

— سیاست امریکا با سیاست اسرائیل فرق ندارد:
جمال ناصر در مصاحبهٔ مطبوعاتی خود با نامه نگار روزنامهٔ لوموند گفته است که سیاست امریکا با اسرائیل فرقی ندارد. امریکا به اسرائیل اسلحه و طیاره ارسال می‌کند و دایماً رژیم تل اوپو را تقویه نموده و می‌نماید. امریکا از چندین سال قبل سیاستی را تعقیب می‌کند که هدف آن سقوط رژیم مصر است.

— پشتیبانی بی‌دریغ امریکا از تجاوزات اسرائیل، آن کشور را بسوریت ساخته است:

از آغاز سال جدید عیسوی افراطیون صهیونی به تحریکات خطرناک جنگی دست زده و دامنه تجاوزات خودرا تا حوالی قاهره و

چرا جریان دموکراتیک خلق افغانستان...

که می‌گذرد جنگ و تجاوز تشدید می‌یابد. اعراب جهت حفظ آزادی و استقلال خود می‌جنگند، مگر اسرائیل به خاک و آزادی دیگران تجاوز می‌کند. اکنون اسرائیل به کانون جنگ تبدیل شده است. ما با شعار «با اعراب علیه امپریالیزم نه با امپریالیزم علیه اعراب» به مبارزه خود علیه حکومت جنگ طلب اسرائیل آغاز می‌نماییم. همچنان حزب کمونیست اسرائیل طی اعلامیه دیگری سیاست تجاوزکارانه اسرائیل را شدیداً موارد اعتراض قرار داده است. در اعلامیه گفته میشود: رهبران اسرائیل برای رسیدن به سیاست شوم و تجاوزکارانه خود جهت غارت کشورهای عربی در پهلوئ امریکا ایستاده است.

سیاست موجودی اسرائیل حیثیت و اعتبار اسرائیل را در جهان از بین برده است. این سیاست بالاخره به تباهی ما منجر خواهد شد و این مردم اسرائیل است که صدمه خواهند دید نه آن دسته ماجراجوی و نوکر امپریالیزم.

- «بیانکی گورت را گم کن!»:»

قرار اطلاع آژانس‌های معتبر محصلان تونس در برابر مسافرت وزیر خارجه امریکا به تونس تظاهرات بزرگی را به راه انداختند. تظاهرات می‌اداند «بیانکی گورت را کم کن!» تظاهرات در مقابل سفارت امریکا و وزارت خارجه تونس صورت گرفت، تظاهرات محصلان تونس که بی بی سی آن را بزرگترین تظاهرات محصلان خواند وقتی شدت یافت که راجرز با وزیر خارجه و صدراعظم تونس مشغول مذاکره بود. هدف تظاهرات مخالفت با سیاست امریکا در شرق میانه و پشتیبانی آن از اسرائیل بود.

- خشم روز افزون:

ماهیت توسعه‌طلبانه پالیسی اسرائیل اکنون کاملاً روشن گردیده است. جنایات وحشیانه اخیر اسرائیل نشان داد که آن کشور به‌وسیله لسان بمب‌ها و ناپالم عدم قناعت خودرا بر تطبیق تصامیم سازمان ملل متحد و تأمین صلح در شرق میانه ابراز می‌دارد.

پالیسی امپریالیستی تشویق محافل حاکمه تل اوپو در بین تمام مردم ترقی‌خواه کره ما تشویش ایجاد کرده است. مردم صلح‌جوست جهان اعلامیه تاس را که مبین اخطار قاطع به تجاوزکاران بی‌باک تل اوپو میباشد مورد تأیید قرار داده‌اند.

در اعلامیه تاس گفته میشود که مردم اتحاد شوروی اعمال وحشیانه تجاوزکارانه اسرائیل را جداً تقبیح می‌نمایند و همبستگی خودرا با خلق‌های عرب که در راه حقوق جایز خود می‌جنگند ابراز می‌دارند... درین اعلامیه اظهار می‌گردد: تا زمانی که متجاوز اصول و اهداف منشور ملل متحد و فصل‌های این سازمان بین‌المللی را در باره امحای عواقب تجاوز اسرائیل و احیای مجدد صلح در شرق میانه زیر پا می‌کند اتحاد شوروی کمک ضروری خودرا به دول عربی ادامه خواهد داد تا به‌واسطه آن بتوانند امنیت و منافع عادلانه‌شان را حفظ کنند.

اعلامیه کمیته جنگ دیدگان شوروی می‌گوید که اعمال اخیر اسرائیل در خاطر‌های مردم اعمال وحشیانه و ضد انسانی ماشین جنگی هتلری را زنده میسازد. جنگ دیدگان شوروی همبستگی برادرانه خودرا با خلق‌های کشورهای عربی که علیه تجاوز مسلحانه امپریالیست‌ها در شرق میانه در نبرد اند، برای آزادی و استقلال ملی ایشان ابراز می‌دارند.

- بوجه برای تجاوز:

چند روز قبل رئیس جمهوری ایالات متحده ریچارد نکسن مسوده بوجه فدرال را برای سال مالی

۱۹۷۱ که از تاریخ اول جولای شروع می‌گردد، به کانگرس تسلیم کرد. مصارف نظامی به ۶۰۰/۳۷ میلیون دالر بالغ می‌گردد. این بوجه در اهمیت و کرکتر خود بیشتر از بوجه‌های قبلی تجاوزکارانه‌تر است. منجمله، یک مبلغ هنگفت. ۳۱۰۰ میلیون دالر درین بوجه برای تمام انواع کمک‌های نظامی به غرض حمایت از رژیم‌های ارتجاعی و ضدیت با جنبش آزادی‌بخش ملی، علاوه بر مصارف ناشی از تعهدات بر اساس همکاری‌های نظامی تخصیص داده شده است.

اکنون بیش از هر وقت دیگر دلایل بیشتر وجود دارد که این بوجه را بوجهی برای تجاوز نامید.

به ارتباط این موضوع باید گفت طبق ارقامی که از منابع نظامی امریکا بدست آمده نشان می‌دهد چهره ژاندارم بین‌المللی که توسط آن نظام‌های فرسوده و کهنه را نگهداری می‌کند به این شرح است: در ویتنام جنوبی ۵۰۰ هزار عسکر؛ در تایلند کوریای جنوبی ۵۶ هزار؛ در تایلند ۴۸ هزار عسکر؛ در جزیره اوکیناوا ۴۵ هزار و در دیگر نقاط جاپان ۴۰ هزار؛ در فلپاین ۳۰ هزار و با ازدیاد چند کشور دیگر قوای امریکا در شرق دور به ۸۰۰ هزار عسکر می‌رسد. در اروپا به ۳۳۷ هزار و در امریکای جنوبی به ۲۴ هزار عسکر می‌رسد. ژاندارم بین‌المللی در ۲۳ کشور قوای مسلح دارد و با ۴۵ کشور قرار داد نظامی.

- آیا واقعاً یک دوکتورین جدید است؟

از آوانی که ریچارد نکسن پا به قصر سفید گذاشته کوشیده است دوکتورینی را فورمولبندی نماید که آن را از خود بنامد. در ماه‌های اول ریاست جمهوری خویش او «دوکتورین گوام» را به وجود آورد که قرار بود «پالیسی جدید ایالات متحده برای آسیا» (با اینکه علیه آسیا) را توضیح نماید.

نکسن در آخرین پیام خود (۱۸ فیروزی) به کانگرس امریکا کوشید که «دوکتورین گوام» را به مناطق دیگر جهان توسعه بخشد که اکنون به حیث «دوکتورین نکسن» شناخته شده است این دوکتورین صراحتاً منظور ایالات متحده را برای نیل به اهداف نظامی و سیاسی آن با استعمال ملل دیگر اعلام می‌دارد.

در واقعیت امر این «دوکتورین » چیز نوی را ارائه نمی‌نماید و وظایف اساسی و اهداف پالیسی خارجی ایالات متحده امریکا بهمان وضع باقی می‌ماند، همان پالیسی‌ای که امپریالیزم ایالات متحده از پایان جنگ جهانی دوم تا کنون تعقیب مینماید. منجمله نکسن پالیسی اسلاف خودرا و پالیسی حمایت بی‌قید و شرط خود را از اعمال تجاوزکارانه و تحریک آمیز اسرائیل در شرق میانه و قصد خود را برای ارسال بی‌وقفه تجهیزات نظامی به شمول آخرین طیارات ما فوق سرعت صوت فانتوم و سکای هاکس و غیره تأیید کرد.

همچنان نکسن پالیسی «ویتنامی سخاقتن» یعنی ادامه جنگ تجاوزکارانه خود علیه مردم ویتنام، در حالی که از فعالیت عساکر رژیم سایگون به حیث علوفه دهن توپ به حمایت قوای هوایی و بحری ایالات متحده استفاده بیشتر به عمل آید و سبوتاز هرگونه مذاکرات صلح را تأیید کرد. به عبارت دیگر او هنوز هدف خود را پیروزی نظامی قرار داده است. درین پالیسی هیچ چیز جدیدی وجود ندارد لندن جانسن برای عین هدف اغفال کننده تمام تلاش‌های خودرا به خرج داد بود.

عکس‌العمل‌هایی که در برابر سیاست امریکا در شرق میانه و جنوب شرق آسیا نشان داده می‌شود روز افزون است.

- از سال ۱۹۶۱ تا حال بیش از شش‌صد هزار نفر ویتنامی را به قتل رسانیدند:

قوماندانی نظامی امریکا در سیگون اعلام نمود که از سال ۱۹۶۱ تا حال بیش از شش‌صد هزار ویتنامی توسط عساکر امریکایی به قتل رسیده‌اند. قوماندانی نظامی امریکا این جنایت بزرگ را پیروزی خود می‌دانند.

در همین نزدیکی‌ها محصلان جاپانی در برابر جنایات امپریالیزم امریکا در ویتنام به مقابل اداره اطلاعات امریکا در توکیو مظاهره بزرگی را سازمان داده بودند.

محصلان بیرق امریکا و عکس‌های نکسن را آتش زند و بجای بیرق امریکا پرچم جبهه آزادی‌بخش ملی ویتنام جنوبی را به اهتزاز در آوردند.

- افشای یک قتل عام دیگر توسط عساکر امریکایی در ویتنام.

دستگاه تلویزیون (ام. بی. سی) امریکا گزارش یك قتل عام دیگر را توسط عساکر امریکایی در ویتنام انتشار داد. در گزارش گفته میشود که در همان روزها و در همان منطقه مای لای عساکر امریکایی یک عده از افراد غیرنظامی را قتل عام نمودند؛ اطالی را که به استقبال عساکر امریکایی می‌دویدند به آتش ماشیندار بستند و به داخل خانه‌ها بم پرتاب نمودند که در اثر آن ۹۰ نفر قتل عام شدند. این چندمین قتل عامی است که توسط خود امریکایی‌ها افشا می‌گردد و یقین کامل داریم که ده‌ها قتل عام دیگر صورت گرفته در آینده افشا خواهد شد.

- امریکا مرتکب اعمال غیرانسانی و جنایات بزرگ در ویتنام می‌گردد:

هفت نفر از طرفداران صلح و مخالف با جنگ ویتنام در هفته گذشته در شیکاگو تحت محاکمه قرار گرفتند. علت محاکمه این‌ها طرفداری از صلح و مخالفت با جنگ ویتنام می‌باشد. در برون محکمه به طرفداری از متهمین یک عده زیاد از طرفداران صلح دست به مظاهره زدند. در واشنگتن و لاس آنجلس نیز به طرفداری آن‌ها مظاهرات مشابه‌صورت گرفت.

در حالی که مخالفین جنگ ویتنام در امریکا محاکمه می‌شوند، گروهی از دانشمندان فرانسوی بعد از تحقیق زیاد و ارائه اسناد و مدارک اعلان نمودند: قوای هوایی و زمینی امریکا در جنگ ویتنام از سلاح کیمیای خطرناک استفاده می‌کنند که در اثر آن تا اکنون هزاران انسان از زندگی ساقط شده‌اند، جنگلات و آبادی‌ها ویران گردیده است. تا اکنون ۵۰ هزار تن بمب بالای مردم فروریخته شده است، ۱۵ هزار کیلومتر مربع جنگل نابود شده است. دانشمندان فرانسوی بنام انسانیت و بشر دوستی و صلح از تمام مردمان جهان تقاضا می‌کنند تا علیه این اعمال غیرانسانی امریکا و بنام خلق که مورد تجاوز قرار گرفته‌اند، دفاع نمایند و اعتراض کنند. امریکا را از جنایاتی که در ویتنام روا می‌دارند باز دارند.

همچنان کمیته بررسی جنگ ویتنام در امریکا بعد از بنسنت آوردن مدارک و اسناد زیاد اعلان نمود که امریکا در جنگ‌ها ویتنام از سلاح کیمیای استفاده می‌کند که عواقب هولناک را به وجود آورده است.

گزارش مختصری که در بالا پیرامون حوادث اخیر ارائه گردید به تنهائی برای اثبات مسوولیت و محکومیت امپریالیزم امریکا در ادامه تجاوز و جنگ و تشدید بحران کافی است و همین به تنهائی خود گواه بر حقانیت مبارزات ما ضد امپریالیزم و صهیونیزم میباشد. اینکه هیأت حاکمه افغانستان رفقای مبارز وطن‌پرست ما را «به جرم» مبارزه علیه امپریالیزم امریکا در زندان افکنده است و به زندانی بودن ایشان کماکان پا فشاری مینماید؛ آیا به معنی هواخواهی از امپریالیزم امریکا نیست؟ قضاوت را درین زمینه به هموطنان خود می‌گذاریم!



د افغانستان د خلک دموکراتک افکارو خپروونکی

۱۳ دلو ۱۳۴۸

د یوې گڼې ۲/۵ افغانی

زده‌مین کنگره حزب کمونیست فرانسه

حزب کمونیست فرانسه زده‌مین کنگره خود را در حومه پاریس بانثیر از ۴ – ۸ فبروری دایر کرد. در کنگره ۹۵۰ نماینده به نمایندگی از ۲۵۰۰۰۰ اعضاء حزب و نمایندگان پنجاه حزب کمونیست و کارگری و سازمان جنبش‌های آزادی‌بخش ملی و دموکراتیکک اشتراک ورزیده بودند...

در جلسات کنگره راپورهای عمده توسط ژورژ مارشه، عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست فرانسه و منشی کمیته مرکزی واییتن فژون عضو دفتر سیاسی ارائه گردید. نمایندگان اسنادی را که حزب کمونیست فرانسه را در فعالیت آینده آن رهبری خواهد کرد، به‌اتفاق آرا تصویب نمودند.

نتایج انتخابات برای مقامات رهبری اعلان گردید و در آخرین جلسه دعوت‌نامه‌ای برای مردم فرانسه تصویب شد. نخستین جلسه پلینوم کمیته مرکزی والدک روشه را به حیث منشی عمومی حزب انتخاب کرد و مقام معاونیت منشی عمومی به ژورژ مارشه که انتخاب گردید، تفویض شد. همچنین ۱۷ عضو دفتر سیاسی و دو عضو مشورتی انتخاب گردیدند.

جلسات زده‌مین کنگره جنب کمونیست فرانسه با بیانیه ژورژ مارشه معاون منشی عمومی بروز ۸ فبروری خاتمه یافت. ژورژ مارشه در ضمن مصاحبه با خبرنگار تاس در جواب این سؤال که مشخصات عمده کنگره حزب چه بوده است؟ گفت: اولاً کنگره ما مشی روشن عمل برای کمونیست‌های فرانسه در متنی که پیش روی است به وجود آورد. نماینده‌گان در کنگره وضعی را که توسط سلطه انحصارات ایجاد گردیده است مورد ارزیابی قرار دادند...

در قبال چنین وضعی، کنگره اهدافی را مطرح کرد که بر طبق آن خلق کارگر فرانسه، تمام ملت برای ایجاد و تعقیب راه بک دموکراسی جدید که ما دموکراسی پیشرفته می‌نامیم، کار نمایند...

کنگره از کمونیست‌ها خواست، که مبارزه تمام نیروهای دموکراتیک را بر اساس یک پروگرام مشترک عمل، یک پروگرام حکومت مشترک چپ، سازمان و توسعه دهند...

در تهران (ایران) به تظاهرات عظیم دست زدند

به روز دو شنبه (ه حوت) هزاران تهرانی که کاسه صبرشان لبریز است سکوت مرگبار را شکستانده و دست به تظاهرات عظیم زدند. گرچه ظاهراً این مظاهرات به علت گرانی کرایه بس‌های شهری صورت گرفته بود،

در تهران (ایران) به تظاهرات عظیم دست زدند

به روز دو شنبه (ه حوت) هزاران تهرانی که کاسه صبرشان لبریز است سکوت مرگبار را شکستانده و دست به تظاهرات عظیم زدند. گرچه ظاهراً این مظاهرات به علت گرانی کرایه بس‌های شهری صورت گرفته بود،

د پشتونستان د نیشنل عوامی پارتی لویه جرگه دیوی اعلامیې په ترڅ کی «لا به یوکیرو، گڼی ورکیرو»تر عنوان لاندی د خپل مشر ولی خان د غوښتنی تأیید کوی

د نیشنل عوامی پارتی چه په ۱۹۶۸ کال کښی د خان عبدالولی خان په مشرتوب د یوه جلا گوند شکل غوره کړی دی د امپریالیزم، ارتجاع و اتوکراسی په ضد نی د پاکستان او پښتونستان او بلوچستان د ټولو مترقی او دموکراتیکو قوتونو د مبارزې لارښوونه کړی او کوي. دغه گوند چه د ننه په هیواد کی د پراخو دموکراتیکو اصلاحاتو د ځمکو د ملکیت د تحدید، صنعتی کولو، داساسی صنایعو د ملی کولو، د صوبو دپاره د داخلی آزادیو، چه د پښتونستان خلکو آزادی دپاره لاره پرانیځی د خلکو د پاره د دموکراتیکو حقوقو او آزادیو د پارلمانی حکومت د جوړولو، د سینټو او سنټو له تیری کوونکو تړونونو څخه د وتلو او له شوروی اتحاد او نورو سوله غوښتونکو هیوادو سره د نژدی دوستانه تعلقاتو د تاسیس دپاره مبارزه کوی.

په دغه وخت کښی چه په ټول هغه هیواد کښی انتخاباتی مبارزی او حزبی فعالیتونه شروع شوی دی د ښی لاس

افراطی ارتجاعی عناصر او، عوامرفیب ماجرا غوښتونکی قوتونه هڅه کوی چه د خپلو ارتجاعی ضد مترقی مقصدونو دپاره اوضاع خړه پړه کړی، بی نظمی منځ ته راولي او له دغی لاری د عمومی انتخاباتو د سر ته رسیدلو، د پارلمانی نظام د منځ ته راوستلو، دیو یونټ د ماتیدلو او پخوانیو صوبو ته د داخلی خودمختاریو مخه ونیسی، نو په دغه مناسبت د پښتونستان د نیشنل عوامی گوند لویی جرگی له خوا دهغه گوند د صدر خان عبدالولی خان د اعلان مطالبی د تائید او ملاتړ د پاره تر دغه عنوان لاندی چه «لابه یوکیرو، گڼی ورکیرو» یوه ابلاغیه خپره کړی ده. په ابلاغیه کښی ویل شویدی چه دا لویه جرگه د خپل مشر ولی خان د اعلان او مطالبی تائید کوي او د خپل وطن هر ورور ته هر څوک چه دی او هر چیرته چه دی زیری ورکړی چه مونږ د ډیر اوږد جد و جهد او بی شمیره قربانیو نه پس هغه حق قام (ملت) ته

(از ص اول)

مبارزه انتخاباتی در پاکستان

دو گروه تقسیم می‌شوند. یک گروه وفاداری خود را به سوسیالیزم، در بسیاری حالات به سوسیالیزم دموکراتیک و حتی سوسیالیزم اسلامی، اعلان می‌دارند. گروه دیگر احزاب از تاجران بزرگ، ملاکان فنودال و گروه‌های مذهبی نمایندگی می‌نمایند که مخالف هر نوع تغییرات مترقی می‌باشند.

گر چه در پاکستان بیش از سی حزب رسماً راجستر شده وجود دارد، اما از جمله تنها هشت یا ده آن به مفهوم کامل کلمه حزب گفته شده می‌تواند. مبتیاقی گروه‌های کوچکی می‌باشند و بعضی از آن‌ها محض همراهان (انتوراژ) این یا آن سیاستمدار حزوی هستند. ژورنالیست‌های خارجی و

پاکستانی میگویند که بسیاری از این سیاستمداران نه برای ایدیولوژی و نه برای اهداف اعلان شده اهمیت قایل اند. از آنجائی که آن‌ها اوضاع حاضراً مغشوش را مغشوش‌تر می‌سازند، آله دست نیروهای دست راستی می‌باشند.

آرایش واقعی نیروها چگونه است؟ احزاب چپ و چپ مرکز در راه دموکراسی، به خاطر خودمختاری مناطق و نواحی مختلف ملی، برای اصلاحات ارضی و ملی کردن صنایع اساسی، برای ارتقای بیشتر سطح زندگی مبارزه می‌کنند. نیروهای مترقی و دموکراتیک که اجازه فعالیت قانونی دارند توسط نیشنل عوامی (خلق) پارتی در تحت ریاست عبدالولی خان رهبری می‌شوند. نیشنل عوامی پارتی به حیث یک حزب مستقل در سال ۱۹۶۸ به وجود آمد و

وگتلو کوم چه پیرنگی (د انگریزی امپریالیزم) او بیا د پیرنگی نه پس مفادپرستو غصب کړی وو یو یونټ مات شو او هر سری د ووت (رای) خاوند شو.

اوس مور د خپلی صوبی مالکان یو او اوس به حکومت زمور په رایی جوړیږی.

د پښتونستان د نیشنل عوامی پارتی په اعلامیه کښی ویل کیږی چه د یوی شی ډلی په حیث دا زمور وظیفه وه چه د دی هیواد واك او اختیار مو یوخل بیا له محلاتو (قصورنو) نه راوایست او ستا سو جونگړو ته مو را ورسولو. اوس ستاسو خوښه چه له دغه واك او اختیار نه د خپلو خدمتگارو په ذریعه د خپل قام (اولس) د ښیگری د پاره کار اخلی او که بی بیا هغو کسانو ته په لاس ور کوی چه درنه بی محلاتو (قصورنو) ته یوسی. اوس موقع گوتو ته درغلی ده.

راخي چه په شریکه ملا وتړو د وطن

له سیاست نه دغه مفادپرست لری کړو

او په خپل کور کښی د شیریکی نظام

جوړ کړو.

په ابلاغیه کښی ویل کیږي چه «خینه کسان زمور په ورورولی کی انتشار (نفاق او انشعاب) پیدا کوي چیرته د هند کر او پښتو په نامه، چیرته د پښتون او غیرپښتون په نامه، چیرته د مقامی او مهاجر په نامه چیرته د کفر او اسلام په چغه.

په مور کښی شک او نفرت پیدا کوی... مور خپل اولس ته وایو چه د مفادپرستو په خوله پسی مه ځي، دلته هر څوک چه دی او هر ه ژبه چه وائی خو له مور سره نی ژوند شریک دي، زمونږ ورور دی، او دلته د ژوند حق لری.

جرگی یقین ښکاره کړی دی چه په کوم اخلاص چی دغی جرگی د اتحاد لاس وړاندی کړی دی ټول خلک به نی په مینه ملاتړ وکړی او په شریکه به په خپل وطن کښی د خپل اولد له پاره د هوسا او مرفه ټولنی د جوړولو دپاره ملا وتړی.

پا چا خان وویل:

تر هغی پوری چه د ملتونو تر منځ د تشدد او نفرت په ځای مینه او اعتماد پیدا نشی ... عام تعلقات هم ښه کیدی نشی

د پښتونستان ستر ملی مشر خان عبدالغفار خان چه زیات له نیمی پیړی نی د خارجی استعمار، اجتماعی بي عدالتیو او خرافاتو په ضد کلکه او پرله پسی زړور مبارزه کړی ده، د هند او پښتونستان د ملی خپلواکی، آزادی او دموکراسی د پاره نی د خپل مجاهد ژوند زیاته برخه په زندان، جلاطونی او مشقت کی تیره کړی ده

په هند کښي د څلورو میاشتو له تیروولو نه وروسته بیرته کابل ته راغلی دی. پاچا خان په یوه رادیونی وینا کښي د پښتونستان او بلوچستان خلکو ته د لوی اختر په مناسبت وویل: چه د خپل حق د گټلو دپاره ستاسو په قربانیو باندی ډیر خوشحالیږم. زه پوهیږم چه تاسو د قربانی ورکولو توان لری خو کله چه گټه وکړی په ځای د دی چه په هغی باندی تاسی او ستاسی بچی آباد شی نورو ته نی فایده رسولی ده. دا ځکه په کومو ملتونو کښي چه ورورولی او رواداری نه وی او خودغرضی وي نو هغوی په سترگو رانده شی او له خپل غر... پرته بل څه نه وینی...

پاچا خان وویل چه «تاسو خپل تیر ژوند ته وگورئ. قربانی تاسو ور کړی دی مصیبتونه تاسو تیر کړل، ملک تاسو آزاد کړی دی، نتیجه دا شوه چه له پخوا نه زیات غلامان شوی»

پاچا خان وویل چه «نن بیا په وطن کښی د دموکراسی چغی دی... په دی

خپله کسان زمور په ورورولی کی انتشار (نفاق او انشعاب) پیدا کوي

چیرته د هند کر او پښتو په نامه،

چیرته د پښتون او غیرپښتون په نامه،

چیرته د مقامی او مهاجر په نامه

چیرته د کفر او اسلام په چغه.

په مور کښی شک او نفرت پیدا کوی... مور خپل اولس ته وایو چه د مفادپرستو په خوله پسی مه ځي، دلته

هر څوک چه دی او هر ه ژبه چه وائی خو له مور سره نی ژوند شریک دي،

زمونږ ورور دی، او دلته د ژوند حق لری.

جرگی یقین ښکاره کړی دي، چه په کوم اخلاص چی دغی جرگی د اتحاد لاس وړاندی کړی دی ټول خلک به نی په مینه ملاتړ وکړی او په شریکه به په خپل وطن کښی د خپل اولد له پاره د هوسا او مرفه ټولنی د جوړولو دپاره ملا وتړی.

چیرته د پښتون او غیرپښتون په نامه،

چیرته د مقامی او مهاجر په نامه

چیرته د کفر او اسلام په چغه.

په مور کښی شک او نفرت پیدا کوی... مور خپل اولس ته وایو چه د مفادپرستو په خوله پسی مه ځي، دلته

هر څوک چه دی او هر ه ژبه چه وائی خو له مور سره نی ژوند شریک دي،

زمونږ ورور دی، او دلته د ژوند حق لری.

جرگی یقین ښکاره کړی دي، چه په کوم اخلاص چی دغی جرگی د اتحاد لاس وړاندی کړی دی ټول خلک به نی په مینه ملاتړ وکړی او په شریکه به په خپل وطن کښی د خپل اولد له پاره د هوسا او مرفه ټولنی د جوړولو دپاره ملا وتړی.

چیرته د پښتون او غیرپښتون په نامه،

چیرته د مقامی او مهاجر په نامه

چیرته د کفر او اسلام په چغه.

په مور کښی شک او نفرت پیدا کوی... مور خپل اولس ته وایو چه د مفادپرستو په خوله پسی مه ځي، دلته

هر څوک چه دی او هر ه ژبه چه وائی خو له مور سره نی ژوند شریک دي،

زمونږ ورور دی، او دلته د ژوند حق لری.

جرگی یقین ښکاره کړی دي، چه په کوم اخلاص چی دغی جرگی د اتحاد لاس وړاندی کړی دی ټول خلک به نی په مینه ملاتړ وکړی او په شریکه به په خپل وطن کښی د خپل اولد له پاره د هوسا او مرفه ټولنی د جوړولو دپاره ملا وتړی.

چیرته د پښتون او غیرپښتون په نامه،

چیرته د مقامی او مهاجر په نامه

چیرته د کفر او اسلام په چغه.

په مور کښی شک او نفرت پیدا کوی... مور خپل اولس ته وایو چه د مفادپرستو په خوله پسی مه ځي، دلته

هر څوک چه دی او هر ه ژبه چه وائی خو له مور سره نی ژوند شریک دي،

زمونږ ورور دی، او دلته د ژوند حق لری.

جرگی یقین ښکاره کړی دي، چه په کوم اخلاص چی دغی جرگی د اتحاد لاس وړاندی کړی دی ټول خلک به نی په مینه ملاتړ وکړی او په شریکه به په خپل وطن کښی د خپل اولد له پاره د هوسا او مرفه ټولنی د جوړولو دپاره ملا وتړی.

چیرته د پښتون او غیرپښتون په نامه،

چیرته د مقامی او مهاجر په نامه

چیرته د کفر او اسلام په چغه.

په مور کښی شک او نفرت پیدا کوی... مور خپل اولس ته وایو چه د مفادپرستو په خوله پسی مه ځي، دلته

هر څوک چه دی او هر ه ژبه چه وائی خو له مور سره نی ژوند شریک دي،

زمونږ ورور دی، او دلته د ژوند حق لری.

جرگی یقین ښکاره کړی دي، چه په کوم اخلاص چی دغی جرگی د اتحاد لاس وړاندی کړی دی ټول خلک به نی په مینه ملاتړ وکړی او په شریکه به په خپل وطن کښی د خپل اولد له پاره د هوسا او مرفه ټولنی د جوړولو دپاره ملا وتړی.

چیرته د پښتون او غیرپښتون په نامه،

چیرته د مقامی او مهاجر په نامه

چیرته د کفر او اسلام په چغه.

په مور کښی شک او نفرت پیدا کوی... مور خپل اولس ته وایو چه د مفادپرستو په خوله پسی مه ځي، دلته

هر څوک چه دی او هر ه ژبه چه وائی خو له مور سره نی ژوند شریک دي،

زمونږ ورور دی، او دلته د ژوند حق لری.

جرگی یقین ښکاره کړی دي، چه په کوم اخلاص چی دغی جرگی د اتحاد لاس وړاندی کړی دی ټول خلک به نی په مینه ملاتړ وکړی او په شریکه به په خپل وطن کښی د خپل اولد له پاره د هوسا او مرفه ټولنی د جوړولو دپاره ملا وتړی.

چیرته د پښتون او غیرپښتون په نامه،

چیرته د مقامی او مهاجر په نامه

چیرته د کفر او اسلام په چغه.

په مور کښی شک او نفرت پیدا کوی... مور خپل اولس ته وایو چه د مفادپرستو په خوله پسی مه ځي، دلته

هر څوک چه دی او هر ه ژبه چه وائی خو له مور سره نی ژوند شریک دي،

زمونږ ورور دی، او دلته د ژوند حق لری.

جرگی یقین ښکاره کړی دي، چه په کوم اخلاص چی دغی جرگی د اتحاد لاس وړاندی کړی دی ټول خلک به نی په مینه ملاتړ وکړی او په شریکه به په خپل وطن کښی د خپل اولد له پاره د هوسا او مرفه ټولنی د جوړولو دپاره ملا وتړی.

چیرته د پښتون او غیرپښتون په نامه،

چیرته د مقامی او مهاجر په نامه

چیرته د کفر او اسلام په چغه.

په مور کښی شک او نفرت پیدا کوی... مور خپل اولس ته وایو چه د مفادپرستو په خوله پسی مه ځي، دلته

هر څوک چه دی او هر ه ژبه چه وائی خو له مور سره نی ژوند شریک دي،

زمونږ ورور دی، او دلته د ژوند حق لری.

جرگی یقین ښکاره کړی دي، چه په کوم اخلاص چی دغی جرگی د اتحاد لاس وړاندی کړی دی ټول خلک به نی په مینه ملاتړ وکړی او په شریکه به په خپل وطن کښی د خپل اولد له پاره د هوسا او مرفه ټولنی د جوړولو دپاره ملا وتړی.

چیرته د پښتون او غیرپښتون په نامه،

چیرته د مقامی او مهاجر په نامه

چیرته د کفر او اسلام په چغه.

په مور کښی شک او نفرت پیدا کوی... مور خپل اولس ته وایو چه د مفادپرستو په خوله پسی مه ځي، دلته

هر څوک چه دی او هر ه ژبه چه وائی خو له مور سره نی ژوند شریک دي،

زمونږ ورور دی، او دلته د ژوند حق لری.

جرگی یقین ښکاره کړی دي، چه په کوم اخلاص چی دغی جرگی د اتحاد لاس وړاندی کړی دی ټول خلک به نی په مینه ملاتړ وکړی او په شریکه به په خپل وطن کښی د خپل اولد له پاره د هوسا او مرفه ټولنی د جوړولو دپاره ملا وتړی.

چیرته د پښتون او غیرپښتون په نامه،

چیرته د مقامی او مهاجر په نامه

چیرته د کفر او اسلام په چغه.

په مور کښی شک او نفرت پیدا کوی... مور خپل اولس ته وایو چه د مفادپرستو په خوله پسی مه ځي، دلته

هر څوک چه دی او هر ه ژبه چه وائی خو له مور سره نی ژوند شریک دي،

زمونږ ورور دی، او دلته د ژوند حق لری.

جرگی یقین ښکاره کړی دي، چه په کوم اخلاص چی دغی جرگی د اتحاد لاس وړاندی کړی دی ټول خلک به نی په مینه ملاتړ وکړی او په شریکه به په خپل وطن کښی د خپل اولد له پاره د هوسا او مرفه ټولنی د جوړولو دپاره ملا وتړی.

چیرته د پښتون او غیرپښتون په نامه،

چیرته د مقامی او مهاجر په نامه

چیرته د کفر او اسلام په چغه.

په مور کښی شک او نفرت پیدا کوی... مور خپل اولس ته وایو چه د مفادپرستو په خوله پسی مه ځي، دلته

هر څوک چه دی او هر ه ژبه چه وائی خو له مور سره نی ژوند شریک دي،

زمونږ ورور دی، او دلته د ژوند حق لری.

جرگی یقین ښکاره کړی دي، چه په کوم اخلاص چی دغی جرگی د اتحاد لاس وړاندی کړی دی ټول خلک به نی په مینه ملاتړ وکړی او په شریکه به په خپل وطن کښی د خپل اولد له پاره د هوسا او مرفه ټولنی د جوړولو دپاره ملا وتړی.

چیرته د پښتون او غیرپښتون په نامه،

چیرته د مقامی او مهاجر په نامه

چیرته د کفر او اسلام په چغه.

په مور کښی شک او نفرت پیدا کوی... مور خپل اولس ته وایو چه د مفادپرستو په خوله پسی مه ځي، دلته

هر څوک چه دی او هر ه ژبه چه وائی خو له مور سره نی ژوند شریک دي،

زمونږ ورور دی، او دلته د ژوند حق لری.

جرگی یقین ښکاره کړی دي، چه په کوم اخلاص چی دغی جرگی د اتحاد لاس وړاندی کړی دی ټول خلک به نی په مینه ملاتړ وکړی او په شریکه به په خپل وطن کښی د خپل اولد له پاره د هوسا او مرفه ټولنی د جوړولو دپاره ملا وتړی.

چیرته د پښتون او غیرپښتون په نامه،

چیرته د مقامی او مهاجر په نامه

چیرته د کفر او اسلام په چغه.

په مور کښی شک او نفرت پیدا کوی... مور خپل اولس ته وایو چه د مفادپرستو په خوله پسی مه ځي، دلته

هر څوک چه دی او هر ه ژبه چه وائی خو له مور سره نی ژوند شریک دي،

زمونږ ورور دی، او دلته د ژوند حق لری.

جرگی یقین ښکاره کړی دي، چه په کوم اخلاص چی دغی جرگی د اتحاد لاس وړاندی کړی دی ټول خلک به نی په مینه ملاتړ وکړی او په شریکه به په خپل وطن کښی د خپل اولد له پاره د هوسا او مرفه ټولنی د جوړولو دپاره ملا وتړی.

چیرته د پښتون او غیرپښتون په نامه،

چیرته د مقامی او مهاجر په نامه

چیرته د کفر او اسلام په چغه.

په مور کښی شک او نفرت پیدا کوی... مور خپل اولس ته وایو چه د مفادپرستو په خوله پسی مه ځي، دلته

هر څوک چه دی او هر ه ژبه چه وائی خو له مور سره نی ژوند شریک دي،

زمونږ ورور دی، او دلته د ژوند حق لری.

جرگی یقین ښکاره کړی دي، چه په کوم اخلاص چی دغی جرگی د اتحاد لاس وړاندی کړی دی ټول خلک به نی په مینه ملاتړ وکړی او په شریکه به په خپل وطن کښی د خپل اولد له پاره د هوسا او مرفه ټولنی د جوړولو دپاره ملا وتړی.

چیرته د پښتون او غیرپښتون په نامه،

چیرته د مقامی او مهاجر په نامه

چیرته د کفر او اسلام په چغه.

په مور کښی شک او نفرت پیدا کوی... مور خپل اولس ته وایو چه د مفادپرستو په خوله پسی مه ځي، دلته

هر څوک چه دی او هر ه ژبه چه وائی خو له مور سره نی ژوند شریک دي،

زمونږ ورور دی، او دلته د ژوند حق لری.

جرگی یقین ښکاره کړی دي، چه په کوم اخلاص چی دغی جرگی د اتحاد لاس وړاندی کړی دی ټول خلک به نی په مینه ملاتړ وکړی او په شریکه به په خپل وطن کښی د خپل اولد له پاره د هوسا او مرفه ټولنی د جوړولو دپاره ملا وتړی.

چیرته د پښتون او غیرپښتون په نامه،

چیرته د مقامی او مهاجر په نامه

چیرته د کفر او اسلام په چغه.

په مور کښی شک او نفرت پیدا کوی... مور خپل اولس ته وایو چه د مفادپرستو په خوله پسی مه ځي، دلته

هر څوک چه دی او هر ه ژبه چه وائی خو له مور سره نی ژوند شریک دي،

زمونږ ورور دی، او دلته د ژوند حق لری.

جرگی یقین ښکاره کړی دي، چه په کوم اخلاص چی دغی جرگی د اتحاد لاس وړاندی کړی دی ټول خلک به نی په مینه ملاتړ وکړی او په شریکه به په خپل وطن ک